

## بررسی جایگاه تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش<sup>۱</sup>

علیرضا احمدی<sup>۲</sup>

حمیدرضا نوری عیبلو<sup>۳</sup>

### چکیده

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است. اهمیت تربیت عقلانی به قدری است که برخی آن را شرط توفیق تربیت در سایر جنبه ها انسانی مانند بعد عاطفی، اخلاقی و اجتماعی دانسته اند. در مقاله حاضر سعی شده است تا جایگاه تعقل و تربیت عقلانی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران با محوریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مشخص شود. بنابراین محققین با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای، ابتدا بسترها و نشانه های تعقل را تبیین نموده و نیز به ذکر برخی از موانع اخلاقی و عاطفی رشد عقل پرداخته اند و سپس با رویکردی تطبیقی در جست و جوی مصادیق آن ها در سند تحول بنیادین به عنوان یکی از اسناد بالادستی تعلیم و تربیت کشور، برآمده اند. نهایتاً این نتیجه به دست آمد که در جای جای سند تحول، به قاطبه بسترها تعقل (طبیعت، ناپایداری دنیا و...)، نشانه های تعقل (اعتدال گرایی، غایت شناسی، تدبیر و...) به طور مستقیم پرداخته شده و در موارد دیگر، دست کم، قرابت مضمونی و مفهومی نزدیکی احساس می شود نیز در مواردی مخاطبین سند مذکور، نسبت به موانع رشد عقل (مرعوبیت، پیروی از نفس اماره و...)، انذار شده اند که این امر نمایانگر اهمیت تعقل و تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران می باشد.

**واژگان کلیدی:** عقل، تعقل، تربیت، تربیت عقلانی، سند تحول بنیادین

تأیید نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

۲- دانشجوی کارشناسی آموزش جغرافیا دانشگاه فرهنگیان کرج، پردیس حکیم فردوسی البرز (نویسنده مسئول) aa0656553@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی آموزش جغرافیا دانشگاه فرهنگیان کرج، پردیس حکیم فردوسی البرز.

## ۱. مقدمه

از سخنان لغت شناسان به وضوح بر می آید که اصل ماده عقل به معنای بازداشتن است و همه مشتقات دیگر آن نیز به همین معنای اصیل بازمی گردد. می توان عقل را قوه استعداد یا قابلیت در انسان دانست که با کسب علوم و آگاهی ها، تقویت و تعالی می یابد و در صورت استفاده و استمداد از آن در امور می تواند مسیر درستی را در ابعاد مختلف بینشی، کنشی و روشی، پیش پای صاحب خویش قرار دهد (سیاوشی و فضلیان، ۱۳۹۴: ۵). راغب اصفهانی در مفردات آورده است که اصل عقل، امساک و استمساک و قوه تشخیص امور صالح از فاسد در زندگی مادی و معنوی و سپس ضبط و حبس نفس بر اساس این شناخت است. از دیدگاه وسیع، واژه عقل شامل تمام فرآیندها ذهنی و مرتبط با دانش است که از عواطف و اراده متمایز است. عقل موجودی است مجرد لیکن از ابتدای زندگی آدمی، مجرد، تام و موجود بالفعل نیست بلکه به بدن تعلق دارد و چون به بدن تعلق دارد، حرکت و تکامل دارد (پورمحمودی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

اصل تعقل بدین معناست که باید پویش فکری انسان را از لغزشگاه ها مصون دارد و وی را مساعدت نماید تا به حقیقت هستی (خدا و راه خدا) هدایت یابد. در واقع همان نوع معینی از تفکر، همسنگ با تعقل است پس هر تعقلی تفکر است (چناری و کرباسیان، ۱۳۹۴: ۱۱).

انسان خلیفه خدا در زمین است و از آنجاکه کمال و زندگی سالم و بالنده او، به میزان رشد اندیشه اش بستگی دارد، تربیت عقلانی این موجود مکرم، یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن کریم است (ملکی، ۱۳۷۹: ۲). اگر کتاب الهی را به طور کامل تفحص کرده و در آیاتش دقت شود، بیش از ۳۰۰ آیه وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است (جوان بخت و همکاران، ۱۳۹۷: ۳). قرآن کریم انسانهایی را که عقل و خرد را به کار نمی گیرند در زمره بدترین جنبنندگان معرفی می کند: «بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند» (انفال، ۲۲). یا فرموده: «آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت ها باشد و از آن خارج نشود؟!» (انعام، ۱۲۲). همچنین در آیه شریفه: «وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في أصحاب السعير» (الملک، ۱۰)، بی خردی را عامل دوزخی شدن معرفی نموده است. از شرایط اندیشه سالم، همراه بودن تعقل با تقوا و پرهیز از گناه و عدم پیروی از هوای نفس است (جوانبخت و همکاران، ۱۳۹۷: ۴). در بحث توحید عبادی، شریک قرار ندادن برای خدادر عبادات از ویژگی ها عاقلان و متفکران بیان شده است. تفکر و تعقل، به معنای اندیشیدن، فرایندی است که در آن یادگیری های گذشته و حال دستکاری، ساماندهی، هدفمند و جهت دار تنظیم میگردد در اینجا منظور از تفکر و تعقل، اندیشه ورزی هدفمند و هدایت شده است که به نتیجه منطقی و مطلوب منتهی می شود (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶).

مقوله تربیت نیز از ابتدایی و اساسی ترین نیازها زندگی بشری است. در واقع تربیت، فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادها انسان، در جهت مطلوب است. تربیت یا پرورش را برخی معادل education یا تعلیم و تربیت به کار می برند. برخی این واژه را معادل training به کار می برند که درین صورت معنی آن با معنی education متفاوت خواهد بود. پرورش به عنوان معادل training، که «کارآمدی»، معادل بهتری برای آن است به معنی گسترش نگرش، دانش، مهارت و الگوها رفتاری مورد نیاز یک فرد برای انجام

عملکرد مناسب در یک تکلیف یا شغل معین می باشد یا ایجاد مهارت در افراد از طریق تمرین، تکرار و کارورزی است. برخی برین عقیده اند که پرورش هم درباره انسان و هم در مورد حیوان به کار می رود ولی تربیت برای حیوانات به کار نمی رود (آرمند، ۱۳۹۰: ۱). تربیت، رفع موانع و ایجاد مقتضیات است برای اینکه استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (وجدانی، ۱۳۹۳: ۱۱). هدف تربیت این است که آدمی به سر منزل سعادت برسد و کسب سعادت از طریق تامل و تعقل صورت می گیرد. انسان با اندیشه ورزی و تعقل می تواند مسایل پیرامون خود را تحلیل و از این طریق نسبت به آن ها معرفت پیدا کند این مسأله در عرصه تربیت عقلانی، در قالب توجه به دانش نظری و عملی خود را نمایان می سازد. به عبارت دیگر، این بحث که وظیفه نظام تربیتی رشد و آماده سازی عقلی دانش آموزان است و یا آنکه باید تنها به انتقال دانش سازمان یافته بپردازد، از جمله مسایل جاری معرفتی در تربیت عقلانی است (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲). یکی از عوامل موثر در تعلیم و تربیت، پرورش و تقویت نیروی عقل است به سبب آنکه عقل در تعدیل و کنترل تمایلات نفسانی و دعوت به اعمال نیک و تقید به مکارم اخلاقی، نقش مهمی ایفا می کند. بعد عقلانی که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی گردد. بلکه برای پیمودن راه تکامل، نیاز به هدایت و تربیت دارد (عشوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

مرزوقی و صفری (۱۳۸۶)، معتقدند که اهمیت تربیت عقلانی تا حدی است که حتی برخی آن را شرط توفیق تربیت در سایر جنبه ها انسانی مانند بعد عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و... دانسته اند نقش و جایگاه تربیت عقلانی در سازندگی فرد و جامعه آنچنان با ارزش است که حتی برخی اندیشمندان قسمتی از چالش ها اخلاقی در عصر مدرنیته را منوط به کم رنگ شدن نقش عقل در زندگی دانسته اند که آن نیز به نوبه خود، محصول عدم تربیت صحیح عقلانی است. بعد عقلانی انسان، جایگاهی فراتر از سایر ابعاد وجودی خود دارد. عقل سرچشمه منحصر بفرد در تمامی کمالات نظری و عملی است از این رو تربیت عقلانی، مجموعه تدابیر و ابعادی است که بطور منظم و سازمان یافته موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی فراهم می آورد (رشیدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). مرزوقی در تعریف کلی، تربیت عقلانی را به معنای ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر در انسان در نظر می گیرد وی عقل را اساس تعلیم و تربیت می داند و معتقد است اگر فرد بخواهد به کمال انسانی و الهی خود دست یابد، باید تعقل را در خود پرورش دهد (مرزوقی و صفری، ۱۳۸۶: ۶). شهید مطهری، پرورش عقل را منظور اصلی تربیت می داند و به تربیت عقلانی و استقلال فکری، اهمیت خاصی داده است به گونه ای که ایشان ضمن مقایسه عقل و تعقل با علم و تعلم، اهمیت عقل و تعقل را نسبت به علم بیشتر دانسته است (عشوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). حبیب زاده (۱۳۹۰)، تربیت عقلانی را از دیدگاه امام خمینی (ره)، ایجاد زمینه لازم برای پرورش قوه عاقله به منظور دستیابی به قرب الهی تعریف کرده است.

بنابراین و با عنایت به اهمیت تعقل و نیز تربیت عقلانی در زندگی انسان و نیز نظام های آموزشی، در پژوهش حاضر به بررسی جایگاه تعقل در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت کشور پرداخته شده است تا به این سوال که تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین چه جایگاهی دارد، پاسخ داده شود. بنابراین، نتیجه حاصل از این مقاله می تواند ضعف ها و چالش های سند تحول را در این عرصه نمایان ساخته و مورد استفاده دست اندرکاران مربوطه در امر بازبینی و اصلاح سند، قرار گیرد.

## ۱-۱. پیشینه پژوهش

- به طور کلی مهمترین پژوهش هایی که در سالهای اخیر در مورد تربیت عقلانی صورت گرفته، بدین شرح است:
- بنی هاشمی، سید محمد و همکار، در کتاب «درآمدی بر تربیت عقلانی: مبادی، اهداف و پیامدها»، ابتدا به مفهوم و اهداف تربیت عقلانی پرداخته و عوامل تضعیف و تقویت عقل را بیان نموده اند و سپس به بررسی رابطه تربیت عقلانی با مفاهیمی چون مهارت های زندگی، بهداشت روانی و... پرداخته اند.
- عشوری، مریم و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله «موانع تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری»، به بررسی موانع مذکور پرداخته و چنین نتیجه گرفته اند که موانع عقل را می توان وابسته به علل اخلاقی، عاطفی، فرهنگی و... دانست.
- در مقاله مرزوقی (۱۳۸۶)، تحت عنوان «مبانی و روش های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی»، ضمن ذکر روش های تربیت عقلانی موثر به این نتیجه عنوان شده است که: در متون اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی تأکید شده و از عقل به عنوان رسول باطنی یاد شده است.
- سرخ آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله ای با عنوان «روش های آموزش سیره رضوی و دلالت ها آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان»، ضمن استخراج روش ها آموزش در سیره امام رضا(ع)، به کارکردها و دلالت های روش مذکور در تربیت عقلانی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان پرداخته و در نتیجه پنج روش تدریس: آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت آموزی را پیشنهاد کرده اند.
- در مقاله «کارکردهای تربیت عقلانی از دیدگاه آیت ا... جوادی آملی»، نوشته رضایی و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی آراء و نظریات آیت ا... جوادی آملی در خصوص توانایی ها، کارکردها و ماهیت تربیت عقلانی پرداخته شده و در نهایت تربیت عقلانی از منظر ایشان را، رسیدن به حیات الهی و هدایت عملی به کوی حق دانسته اند.
- ایرامنش و رستمی نسب (۱۳۹۵)، در مقاله «روش های تربیت عقلانی در صحیفه سجادیه»، روش های تربیت عقلانی را استخراج نموده اند که شامل: تزکیه، مشاهده، عبرت آموزی و... است.
- ترکشوند و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله ای تحت عنوان «بررسی تطبیقی اهداف و اصول تربیت عقلانی در اندیشه علامه جعفری و کانت» به مقایسه آراء و نظرات این دو دانشمند پرداخته و به این نتیجه رسیده اند که: هدف نهایی تربیت عقلانی از منظر علامه جعفری رسیدن به مقام عبودیت و بندگی خدا و از منظر کانت به کمال رساندن همه قوا و استعداد های انسان می باشد.
- رشیدی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «ارایه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت شناختی قرآن کریم»، به ترسیم الگوی مذکور پرداخته اند و برخی از اصول الگوی بدست آمده را اصل مراتبی بودن معرفت، تلازم معرفت و تقوا، حفظ منزلت عالم و... بیان کرده اند.
- کریمیان و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله «جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی، مبتنی بر سند برنامه درسی ملی»، به این نتیجه رسیده اند که با عنایت به تأکید سند برنامه درسی ملی، تفکر انتقادی، یکی از مبانی رشد اجتماعی و عقلانی در تربیت است.

متأسفانه تاکنون پژوهشی راجع به جایگاه و مرتبه تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین یا عناوینی کاملاً مشابه، صورت نگرفته است و پژوهشگران عرصه، از اهمیت این موضوع غافل شده اند. در واقع وجه تمایز پژوهش حاضر، استفاده از چارچوبی مرکب از نشانه‌ها، بسترها و موانع تربیت عقلانی برای پی بردن به جایگاه تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین می باشد.

## ۲-۱. مبانی نظری

عقل واژه ای عربی است که از حیث مفهوم با عقل تناسب دارد که عقل در لغت به معنای زانویند شتر است که سرکشی او را مهار می کند و بر این اساس عقل، عقل نامیده شده است زیرا غضب و شهوت سرکش را می بندد و عقل می کند (عشوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

یکی از ویژگی ها عمومی انسان، اندیشه ورزی اوست که مبنای انسان شناسی محسوب می شود. اصل ناظر به ویژگی اندیشه ورزی در انسان تعقل است. در واقع همان نوع معینی از تفکر (تفکرهدایت شده) هم سنگ با تعقل است. پس هر تعقلی تفکر است. (چناری و کرباسیان، ۱۳۹۴: ۱۲). تربیت عقلانی این موجود مکرم (انسان) یکی از اصول اساسی تعلیمات قرآن کریم است (ملکی، ۱۳۷۹). و قرآن کریم در کنار توصیه به تعقل، بسترها تعقل را نیز معرفی کرده است:

۱- طبیعت: از نظر قرآن، طبیعت و نظام انسجام یافته آن و روابط علی و معلولی میان پدیده ها به عنوان آیات خداوند، بستر حایز اهمیتی برای تعقل است. غرض مستقیم قرآن از مشاهده طبیعت به همراه تفکر آن است که در آدمی، آگاهی نسبت به چیزی را بیدار کند که طبیعت رمز آن به شمار می آید.

۲- ناپایداری دنیا: اگر انسانها در ماهیت این دنیا تعقل نمایند و نسبت آن را با آخرت سنجش کنند، درخواهند یافت که زندگی دنیا ناپایدار و فانی است و زندگی آخرت پایدار و ماندگار خواهد بود. در نتیجه به حکم عقل سلیم، زندگی اخروی را برتر می بیند.

۳- تاریخ: قرآن به یاد کردن از ملت هایی که در گذشته می زیسته اند، انسان ها را به مطالعه در تاریخ زندگی آنها فرا می خواند تا در آن ها تعقل نمایند (همان). «آیا در زمین نگردیده اند تا فرجام کسانی را که پیش از آن ها بوده اند، بنگرند؟ قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیز کاری کرده اند بهتر است. آیا نمی اندیشند؟» (یوسف، ۱۰۹). ۴- دوران پیری انسان: قرآن کریم مسیر زندگی انسان از بدو تولد تا رسیدن به دوره پیری را بستر تفکر و تعقل معرفی می کند (طالب تاش، ۱۳۹۳: ۳).

همچنین نشانه ها عقل گرایی در نهج البلاغه چنین برشمرده شده اند:

- ۱- غایت شناسی: غایت عمل هر انسانی، جلب منفعت و دفع زیان است. عقل انسان رادر شناخت غایت اعمال یاری می دهد. البته سود و زیان در هر دو عرصه دنیوی و اخروی مدنظر است.
- ۲- دوستی با مردم: چون انسان در رفع نیاز زندگی محتاج به دیگران است و رفتارش با مردم در این جهت یا به گونه ای دوستانه و معاشرت نیکو و گذشت و تشویق است و آنچه لازمه دوستی است، نیمی از خرد است.

- ۳- اعتدال گرایی: آنچه اعتدال را برای انسان به ارمغان می آورد، عقل و درایت است و آنچه انسان را از مسیر اعتدال دور می سازد و او را به سمت افراط و تفریط می کشاند، جهل و نادانی است.
- ۴- تدبیر: مقصود از تدبیر، تنظیم و مدیریت امر یا رخداد و هر چیزی است که در پیش روی است و نیاز به برخورد و مواجهه درست و دوراندیشانه دارد تا سرانجام آن به نیکی و خوشی و سودمندی، یا دوری هرچه بیشتر از ضرر بینجامد.
- ۵- تجربه اندوزی: یکی از نشانه ها رشد و شکوفایی عقل در انسان، این است که از تجربه ها خود و دیگران به بهترین وجه استفاده نماید و در حقیقت پلی از گذشته به آینده بزند: «والعقل حفظ التجارب». امام علی(ع).
- ۶- تشخیص راه رشد و مسیر پیشرفت: از نگاه امام علی(ع)، راه رشد و مسیر تعالی در پرتو مدد گرفتن از عقل در پیش دید انسان نهاده می شود. لذا می فرماید: «در سودمندی عقل همین بس که راه ها گمراهی را از راه ها رشد و رستگاری باز می شناسد» (سیاوشی و فاضلیان، ۱۳۹۲).
- برخی از موانع اخلاقی و عاطفی رشد عقل از دیدگاه شهید مطهری بیان شده است:
- ۱- پیروی از نفس اماره: شهید مطهری، بزرگترین عامل و مانع رشد و تربیت عقلانی را در تبعیت آدمی از نفس اماره تبیین می نماید و می گوید: «بالاترین دشمن عقل، نفس اماره است». وی برین عقیده است که کسی که به خودآگاهی در مورد ذات خود رسید، درحقیقت نیروی حکومت و تسلط بر خویشتن را کسب کرده است همان نیرویی که انسان را از هرگونه عدم و تصور وهمی می رهاوند و آدمی را در شناسایی کنه هستی یاری می دهد. وی این شناخت را در پرتو بیگانگی نفس با امیال شهوانی و خواهش های نفسانی میسر می داند.
- ۲- مرعوبیت: شهید مطهری، مرعوبیت را مترادف با خسران شخصیت معنا می کند و می گوید خسران شخصیت یعنی عدم قبول آنچه که هستیم و تمسک به آنچه که دیگران هستند. او مرعوبیت را عاملی می داند که موجب می شود انسان نتواند از نیروها و استعدادها درونی خود استفاده کند و مانع رشد آدمی در تمامی ابعاد وجودی او می گردد.
- ۳- صفات ردیله: شهید مطهری، هر صفت نکوهیده ای را که موجب نزول مرتبه انسانی می شود، مانع رشد عقل و موجب تاریکی روح و تیرگی دل بیان می کند. او به صفاتی مانند: طمع، حسد، خودپسندی، تنبلی و سستی، خوش بینی و... اشاره می کند.
- ۴- جمود و تقلید: شهید مطهری، جمود را با خشکی های بی معنا و بی جا تلقی می کند و آن را مختص به عوام نمی داند بلکه هرگونه حرکت انسان به سمت افراط و تفریط را منشا جمود فکری و خاموشی اندیشه لحاظ می کند. شهید مطهری لزوم عقلانیت در اسلام را کشف و استنباط احکام می داند و تعصب و تبعیت کورکورانه از گذشتگان یا اتکا محض به استدلالات ذهنی دیگران را مطرود قلمداد می کند.
- ۵- استفاده ناصحیح از حواس: شهید مطهری با استناد به آیات قرآنی، یکی از موانع رشد عقل و اندیشه را عدم استفاده صحیح از حواس معرفی می نماید. ایشان به آیات (۱۷ و ۱۸ زمر) اشاره می کنند که خداوند می فرماید: «بشارت بده بندگان مرا! آنان که سخن را می شنوند و از بهترینش پیروی می کنند ایشان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و اینان، همان خردمندانند» (عشوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۴-۱۰).

یکی از مسایل مهم نظام نوین تربیت در کشور ما این است که نهادهای مختلف این نظام، طی مراحل بنیانگذاری و گسترش و تحول، تا زمان تدوین سند تحول بنیادین، بر مبنای نظری مشخص و مدونی استوار نبوده اند... با درک این نیاز، شورای عالی آموزش و پرورش به عنوان مرجع سیاست گذاری در حوزه آموزش عمومی و متوسطه، تصمیم به تدوین و تصویب سند تحول بنیادین گرفت (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۱، ۲۰).

اهداف عمده تدوین سند تحول بنیادین عبارت اند از:

- تدوین فلسفه تربیت، در جمهوری اسلامی ایران
- تدوین فلسفه رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران
- تدوین رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران
- استخراج دلالت های مبانی نظری مدرن برای دیگر عناصر سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

### ۳-۱. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی می باشد که محقق پس از مراجعه به منابع کتابخانه ای و ذکر بسترها و نشانه های تعقل و نیز موانع رشد عقل، در جست و جوی مصادیق آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از اسناد بالادستی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، برآمده است.

### ۲. بحث و بررسی

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در هفت فصل، مقدمه، بیانیه ارزش ها، بیانیه ماموریت، چشم انداز، هدف های کلان، راهبردها کلان، هدف ها عملیاتی و راهکارها و چارچوب های نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش، با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۹۰/۷/۵، جهت اجرا ابلاغ شده است.

۲-۱. مهمترین مبانی اساسی تربیت در سند تحول را می توان بر حسب موضوع، در پنج بخش تشریح کرد:

- مبانی هستی شناختی: مقصود از مبانی هستی شناختی تربیت در این مجموعه، بخشی از گزاره های توصیفی تحلیلی درباره خداوند و دیگر عناصر هستی (حقیقت وجود و برخی احکام کلی مربوط به واقعیت جهان) است که در مباحث جهان بینی اسلامی یا در حوزه دانش فلسفه اسلامی به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته است.

- مبانی انسان شناختی: مراد از مبانی انسان شناختی، در ذیل مبانی اساسی تربیت، آن دسته از گزاره ها توصیفی تبیینی مدلل درباره واقعیت وجود انسان است، که از تعالیم اسلامی یا از معارف اصیل اسلامی در مقام توصیف خصوصیات عموم افراد نوع بشر یا از مباحث مربوط به تعریف انسان در فلسفه اسلامی استخراج شده اند و باید آنها را به لحاظ نقش محوری تبیین و ترسیم سیمای کلی انسان در هر نظریه فلسفی تربیت، سنگ بنای اصلی هر گونه توصیف و تبیینی از فلسفه تربیت با رویکرد اسلامی دانست.

- مبانی معرفت شناختی: منظور از مبانی معرفت شناختی در این مجموعه، بخشی از گزاره ها توصیفی تبیینی درباره شناخت آدمی و حدود و ثغور آن است که بنا به سنت معارف، در مباحث فلسفی معاصر و با توجه به اهمیت

بسیار عرصه معرفت شناسی در تبیین فلسفه تربیت، مبانی مربوط به این عرصه از مبانی عام انسان شناختی متمایز گشته است.

- مبانی ارزش شناختی: مقصود از مبانی ارزش شناختی درین مجموعه، مباحثی درباره ماهیت ارزش ها و نحوه درک و اعتباربخشی آن ها و نیز بخشی از گزاره های مربوط به بیان مصادیق ارزش ها معتبر و چگونگی تحقق آن ها براساس نظام معیار در جامعه اسلامی (مبانی و ارزش ها مبتنی بر دین حق یا سازگار با آن) است، که عموماً از حوزه فلسفه اخلاق و حکمت عملی با رویکرد اسلامی یا از منابع بیانگر نظام ارزشی و اعتقادی اسلام، به عنوان اصول موضوعه، اخذ شده اند.

- مبانی دین شناختی: این دسته از مبانی صرفاً به مباحثی درباره دین می پردازند که در حیطه دانش فلسفی مضاف «فلسفه دین» یا بعضاً در حوزه مباحث «کلام جدید» قرار می گیرند.

- باهم نگرایی مبانی اساسی: از آن جایی که تعربیت در هر حال عبارت است از کوشش هدفمند برای تحول و حرکت آدمی از وضع موجود به وضع مطلوب، با مرور مبانی یادشده، می توانیم همه آن ها را با توجه به مقصود اصلی ازین بحث (یعنی: تبیین چیستی، چرایی و چگونگی تربیت) در سه محور توصیف واقعیت انسان و موقعیت او در هستی، ترسیم جایگاه شایسته و مطلوب آدمی در هستی و بیان چگونگی وصول به این جایگاه، تنظیم و تلخیص کنیم (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴۹-۱۱۷).

۲-۲. طی حصول مصادیق بسترها، نشانه ها تعقل و موانع رشد عقل در سند تحول بنیادین، یافته ها زیر به دست آمد:

### بسترهای تعقل:

۱-۲-۲. طبیعت: نظام علت و معلول و سبب و مسبب بر جهان هستی حاکم است و رابطه علی بین پدیده ها و اجزای جهان برقرار است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۴) که در مبانی هستی شناختی سند تحول، به آن پرداخته شده است. همچنین در مبانی ارزش شناختی سند تحول چنین آمده است که: طبیعت و پدیده ها طبیعی را افزون بر ارزش ابزاری، در جهت تحقق غایت زندگی، باید با نگرش نمادین، به مثابه آیاتی از حکمت، لطف و اقتدار الهی ملاحظه نمود (همان: ۱۰۶).

۲-۲-۲. ناپایداری دنیا: در مبانی هستی شناختی سند تحول چنین آمده که: جهان طبیعت و همه واقعیت

های آن، امری در حال تزاحم، محدود، پایان پذیر و فناشدنی است. حیات هر یک از موجودات عالم طبیعت اجلی دارد و به مرگ و فنا منتهی می شود تا زمینه رستاخیز عظیم و حیات ابدی، فراهم آید (همان، ۵۶).

۳-۲-۲. تاریخ: در مبانی انسان شناختی سند تحول بنیادین چنین ذکر شده که آدمی برای نقش آفرینی در روند تکوین و تحول هویت خویش، به دلیل وجود تهدیدها بیرونی و درونی، نیازمند استعانت از خدای متعال و بهره مندی از راهنمایی و مساعدت انسان ها رشد یافته است. با توجه به نقش آزادی و اختیار آدمی در عناصر اصلی موثر بر روند تکوین و تغییر هویت و نیز با عنایت به شرایط محیطی که تا حد زیادی بر این روند تاثیر گذارند، باید برای جهت



دهی به این حرکت پیچیده، بر هدایت و الطاف خاص الهی تکیه کرد و از راهنمایی و یاری انسان‌ها شایسته بهره‌مند شد (همان، ۷۵).

### جدول ۱: جایگاه بسترهای تعقل در مبانی اساسی تربیت سند تحول

مبانی اساسی تربیت	بسترها تعقل
هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی	طبیعت
هستی‌شناختی	ناپایداری دنیا
انسان‌شناختی	تاریخ

### ۲-۳. نشانه‌های تعقل:

۲-۳-۱. غایت‌شناسی: در سند تحول بنیادین، به کرات به مصادیقی از این دست برمی‌خوریم: در مبانی هستی‌شناختی سند، چنین قید شده که آفرینش جهان هستی، غایتمند و خداوند غایت همه موجودات است. یا در مبانی انسان‌شناختی آن، به این موضوع اشاره شده که آفرینش انسان، هدفمند و درهماهنگی کامل با غایات هستی است. نیز در مبانی ارزش‌شناختی به این موضوع پرداخته شده است که حیات طیبیه، مفهومی ذمراتب است که برخی از مراتب نخستین آن، مطلوب بالفعل همه انسان‌هاست و لذا باید تلاش برای تحقق حیات طیبیه، ازین مراتب آغاز گردد (سند تحول بنیادین: ۹۷).

۲-۳-۲. دوستی با مردم: درین مورد تنها به این اصل انسان‌شناختی در سند دست می‌یابیم که همه انسان‌ها بر حسب آفرینش برابرند و از حقوق و تکالیف عادلانه برخوردارند. به سخن رسول گرامی اسلام (ص)، همه انسان‌ها مانند دندان‌های شانه با هم برابرند و تفاوت ظاهری ملاک برتری نیست. البته برابری انسان‌ها به معنای آن است که همه انسان‌ها صاحب حقوق و تکالیفی عادلانه هستند (همان، ۶۳).

۲-۳-۳. اعتدال‌گرایی: در مبانی ارزش‌شناختی سند، چنین متصور شده است که: یکی از ویژگی‌ها مهم حیات طیبیه توازن و اعتدال در ابعاد مختلف آن است. فردی که حیات طیبیه دارد، انسان معتدلی است که علاوه بر شکوفایی فطرت الهی، به رشد همه جانبه همه استعدادها طبیعی و تنظیم متعادل تمایلات و عواطف خود (به دور از هرگونه افراط و تفریط)، دست یافته است (همان، ۹۸).

۲-۳-۴. تدبیر: آنچه در سند تحول درین باره مرقوم است، غالباً به ابزار تدبیر انسان اشاره کرده است. به عنوان مثال در مبانی انسان‌شناختی آن آمده: خداوند توانایی ویژه‌ای به نام عقل و خرد به انسان ارزانی داشته است. عقل ورزی، وجه تمایز نفس انسانی از نفس حیوانی و نباتی است. عقل قابلیت در نوع بشر است که بوسیله آن می‌تواند در مقام شناخت واقعیت‌های هستی با روش استدلال و برهان، برخی از آن‌ها را به صورت یقینی درک کند یا در مقام مداخله و مهار واقعیت‌های طبیعی و اجتماعی و رسیدن به اهدافی مشخص، ابزارها، برنامه‌ها و روش‌های مناسب را به اتکای قدرت تخیل، خلاقیت و ابتکاری خویش ابداع نماید (همان، ۶۳).

۲-۴. تشخیص راه رشد و مسیر پیشرفت: در رابطه با این مورد در سند تحول، آن دسته از مبانی که صبغه این چنینی دارند، به این قرار است:

- انسان دارای استعدادها طبیعی قابل رشد و عواطف و تمایلات متنوعی است.
- انسان، موجودی همواره در حال شدن، حرکت و دگرگونی است.
- تجربه اندوزی: تجارب و دستاوردها دانش بشر، حاصل تلاش علمی بشر و دارای ارزش اقتضایی است. این گنجینه را باید قدر دانست و از آن بهره برد و درعین حال، نباید آن را مطلق پنداشت.

### جدول ۲: جایگاه نشانه های تعقل در مبانی اساسی تربیت سند تحول

نشانه ها تعقل	مبانی اساسی تربیت
غایت شناسی	هستی شناختی- انسان شناختی - ارزش شناختی
دوستی با مردم	انسان شناختی
اعتدال گرایی	ارزش شناختی
تدبیر	انسان شناختی
تشخیص راه رشد ومسیر پیشرفت	با هم نگرى مبانی اساسی
تجربه اندوزی	مقدمه سند تحول

### ۲-۵. نهی از موانع رشد عقل:

۲-۵-۱. پیروی از نفس اماره: اساساً اسلام، علاوه بر به رسمیت شناختن آزادی تکوینی انسان که بنا به حکمت الهی و به عنوان مقدمه اختیار و اراده آن ها، برای همه افراد بشر فعلیت دارد، او را به مرتبه ای برتر، یعنی کسب آزادی حقیقی (یا به تعبیر رساتر آزادگی) و وصول به معنای حقیقی اختیار-یعنی انتخاب خیرات واجتناب از شرور- دعوت کرده است و نخستین مرحله این نوع آزادی را در رهایی اراده آدمی از وابستگی به شهوات و تمایلات نفسانی دانسته است. به طوری که اگر انسان ها از بند هواهای نفسانی رهایی نیابند، قادر نخواهند بود از چنگ طواغیت(حاکمان غیر خدایی) و ستمگران رها شوند(سند تحول بنیادین، ۹۰:۱۰۰).

۲-۵-۲. مرعوبیت: انسان فطرتی الهی دارد که قابل فعلیت یافتن و شکوفایی یا فراموش شدن است. این فطرت می تواند فعلیت یافته، صیقل بخورد و توسعه بپذیرد و می تواند به فراموشی سپرده شود. نیز در زمینه عدم تفوق ذاتی انسان ها بر یکدیگر، درسند چنین ذکر شده است که همه افراد بشر، از یک اصل(آدم و حوا) نشأت گرفته اند. هیچ انسانی بر انسان دیگر به لحاظ اصل آفرینش برتری ندارد. لذا تفاوت ها طبیعی (نژادی، قومی، جنسی، وراثتی و...) موجود بین انسان ها، بر مبنای حکمت الهی و صرفاً برای شناسایی آدمیان است که نمی تواند به خودی خود، معیار هیچ گونه برتری باشد(همان، ۶۳).

۲-۵-۳. صفات رذیله: از جمله محدودیت عموم انسان ها می توان به ضعف، حرص، ستمکاری و ناسپاسی، نادانی، شتابزدگی و فراموش کاری اشاره کرد که تن دادن به این گونه محدودیت ها و تداوم و تشدید اختیاری آن ها، باعث می شود آدمی زاده حتی به نازل ترین مرتبه هستی خود(همانند چهارپایان و بلکه پست تر از آن ها) سقوط کند از نظر

قرآن به مثابه بدترین جنبندگان محسوب می شود. در این زمینه ابلیس که خداوند او را شیطان نامیده است، از جهل، ضعف ها و کشش های درونی نفس انسان استفاده کرده و با تزیین امور باطل و ایجاد وسوسه در فکر و اراده آدمی، خستگی ناپذیرانه می کوشد تا او را از مسیر بندگی خدا دور و به سوی بیراهه و کفر و فحشا دعوت کند (همان، ۶۹).

۴-۵-۲. جمود و تقلید: آزادی از تقلید کورکورانه، از افکار غلط و هنجارها غالب (آزادی فکری و فرهنگی)، مصادیق دیگری از آزادی های حقیقی انسان اند که پیامبران الهی ما را به کسب آن ها فراخوانده اند (همان، ۱۰۱).

۵-۵-۲. استفاده ناصحیح از حواس: آدمی منابع و ابزار شناخت متعددی در اختیار دارد که مکمل یکدیگرند و برای شناخت منسجم واقعیات و حقایق جهان باید از همه آن ها بهره گرفت. حس فراگیرترین ابزار معرفت است. حواس ظاهری شناخت گسترده ای از جهان طبیعت برای انسان فراهم می کنند؛ اما شناخت ها برآمده از حواس ظاهری، حصولی و جزئی اند و صرفاً نشان دهنده عوارض و ظواهر چیزها پیرامون هستند و هرگز به ژرفای آن ها نفوذ نمی کنند و ذات آن ها را نشان نمی دهند. از طرفی، ادراک حسی دارای محدودیت زمانی و مکانی است زیرا تحت شرایط خاص زمانی و مکانی شکل می گیرد (همان، ۸۲).

موانع رشد عقل	مبانی اساسی تربیت
پیروی از نفس اماره	ارزش شناختی
مرعوبیت	انسان شناختی
صفات رذیله	انسان شناختی
جمود و تقلید	ارزش شناختی
استفاده ناصحیح از حواس	معرفت شناختی

جدول ۳: جایگاه موانع رشد عقل در مبانی اساسی تربیت سند تحول

### ۳. نتیجه گیری و پیشنهادها:

در قرآن کریم، آیات بسیاری وجود دارد که مردم را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است. اهمیت تربیت عقلانی به حدی است حتی برخی آن را شرط توفیق تربیت در سایر جنبه ها انسانی دانسته اند. بنابراین پس از بررسی مصادیق بسترها و نشانه های تعقل در سند تحول، به عنوان یکی از مهمترین اسناد بالادستی تعلیم و تربیت در جمهوری اسلامی ایران و تعیین کننده خط مشی ها نهاد مذکور، این نتیجه حاصل شد که: در جای جای سند تحول و علی الخصوص مبانی اساسی تربیت، به اکثر بسترهای تعقل نظیر: طبیعت، ناپایداری دنیا و... نشانه ها تعقل نظیر: اعتدال گرایی، غایت شناسی، تدبیر و... پرداخته شده است و در موارد دیگر، دست کم، قرابت مضمونی نزدیکی احساس می شود. نیز در سند به موانع رشد عقل انسان و عواملی که قدرت تعقل انسان را کاهش می دهند نظیر: مرعوبیت، پیروی از نفس اماره، استفاده ناصحیح از حواس، صفات رذیله و... که چون غل و زنجیرهایی پای عقل را می بنددند و مانع جولان آن در امور زندگی انسان می شوند تا آدمی نتواند با حل و فصل و تدبیر عقلانی امور به غایت تربیت

خویش که همانا رسیدن به مراتبی از حیات طیبه و قرب الهی است برسد، پرداخته شده است و مخاطبین سند مذکور، نسبت به آن‌ها انداز شده اند.

همچنین پیشنهادها، جهت تقویت جایگاه و صبغه تربیت عقلانی در سند تحول بنیادین عبارتند از:

- شناسایی زیرمolfه های بسترهای تعقل و درج و توجه به آن‌ها در سند تحول بنیادین
- استفاده از آیات قرآن و تفاسیر آن‌ها برای تبیین دقیق تر و مصداقی بسترها و نشانه های تعقل
- تدوین راهکارهای دقیق و منطبق بر هریک از نشانه های تعقل در جهت دستیابی مخاطبین سند به نشانه های تعقل
- تبیین نتیجه های دقیق و منتج از پژوهش های صورت گرفته در خصوص عدم توجه به موانع رشد عقل برای متربیان.

### منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۹). قم، موسسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- آرمند، محمد (۱۳۹۰). «تحلیلی بر مفهوم تعلیم و تربیت». ماهنامه سوره، شماره ۵۲-۵۳، مهر و آبان ۹۰، ص ۶۲
- اصلانی، یاسر وسعید بهشتی (۹۲). «روش‌ها تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه امام خمینی (ره)». پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۱، پاییز ۹۲ شماره ۲۰، ص ۴۵-۶۲.
- ایرانش، فاطمه و عباسعلی رستمی نسب (۱۳۹۵). «روش‌ها تربیت عقلانی در صحیقه سجادیه»، معرفت، شماره ۲۲۸، آذر ۹۵، ص ۱۳-۲۶. پور محمودی، عارف وحسن ملکی (۱۳۹۴). «تربیت عقلانی از منظر علامه جعفری و پیامدها تربیتی آن». پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و سوم، دوره جدید، زمستان ۹۴، شماره ۲۹، ص ۲۹-۴۸.
- ترکاشوند، نسرین و همکاران، ۹۷، اسلام و پژوهش های تربیتی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۹۷، ص ۶۹-۸۶.
- جوانبخت، فاطمه و همکاران (۱۳۹۷). «واکاوی تاثیر تفکر و تعقل در تعمیق ایمان دینی از منظر قرآن». فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲، ص ۲۲۷-۲۴۰.
- چناری، مهین و فاطمه کرباسیان (۱۳۹۴). «جایگاه زبان سکوت در تربیت دینی». دوفصلنامه علمی-ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۲۱-۱۴۶.
- رشیدی، شیرین و همکاران (۱۳۹۶). «ارایه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آپ رسمی و عمومی بر اساس مبانی معرفت شناختی قرآن کریم». نشریه مسایل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴۲، شهریور ۹۸، ص ۷-۳۶.
- رضایی، محمد جعفر و همکاران (۹۷). «غایت شناسی تربیت عقلانی در ساحت فردی از دیدگاه آیت ا... جواد املی». پژوهش در مسایل تعلیم تربیت اسلامی، بهار ۹۷، شماره ۳۸، ص ۳۹-۵۸.
- سرخ آبادی و کرامتی (۱۳۹۶). «روش‌ها آموزش درسیره رضوی ودلالت‌ها آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان». فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۹۶، شماره ۱۷، ص ۳۵-۵۸.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، جمعی از مولفین.
- سیاوشی، کرم و سید جواد فاضلیان (۱۳۹۴). «دعوت به تعقل و نشانه‌ها عقل‌گرایی در نهج البلاغه». پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۷۱-۹۰.

- طالب تاش، عبدالمجید (۱۳۹۳). «مهمترین بسترها تعقل از منظر قرآن کریم». مجله پژوهشنامه قرآن وحدیث، بهار و تابستان ۹۳، شماره ۱۴، ص ۸۴-۱۰۱.
- عشوری، مریم و همکاران (۱۳۹۲). «موانع تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری». فصلنامه معرفت، سال بیست و دوم، شماره ۱۹۴، ص ۱۰۱-۱۱۴.
- کریمیان، مهدی و همکاران (۱۳۹۵). «جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر سند برنامه درسی ملی»، پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۵، دوره جدید، شماره ۳۴، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۳۳-۱۵۱.
- مرزوقی، رحمت ا... و یحیی صفری (۱۳۸۶). «مبانی و روش های تربیت عقلانی از منظر متون اسلامی»، فصلنامه تربیت اسلامی، سال ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۱۵-۱۳۴.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹). «تربیت هاعقلانی در نهج البلاغه و دلالت ها آموزشی آن»، کتاب چهارم، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

